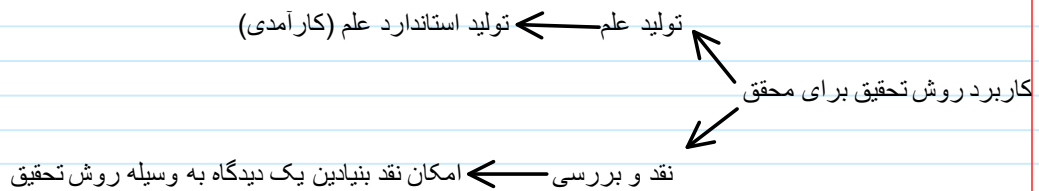


**اهمیت و جایگاه روش تحقیق در علم**

علم بدون توجه به روش تحقیق به دست نمی آید. روش تحقیق است که به ما امکان تولید علم بر پایه داده های موجود می دهد. داده ها از جنس مقدمات هستند اما علم نیستند باید کارهایی روی آن صورت بگیرد تا به علم تبدیل شود.

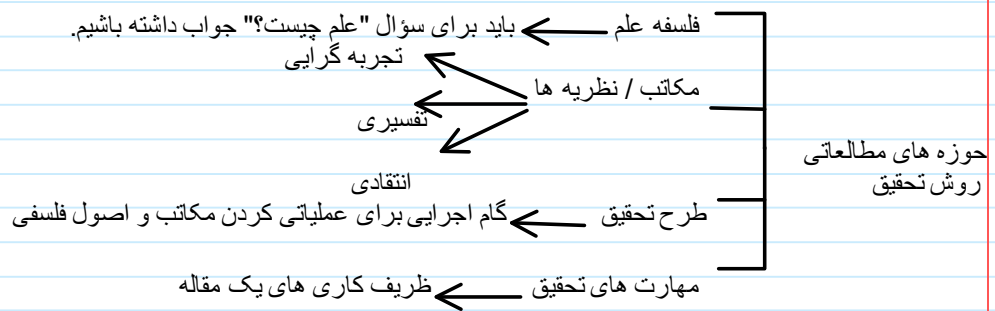
**تعریف علم از نگاه غرب**

علم عبارت است از مجموعه گزاره هایی که مبتنی بر تجربه یا گفتمان مشترک در حوزه نخبگانی باشد. اگر بپذیریم که علم، صرفاً تجربه است پس روش تحقیق نیز باید تجربی باشد و گرنه از دایره علم خارج است. در علوم غربی دو واژه knowledge و science در حوزه علم به وجود آمد. فیزیک و شیمی که کمی است را science و آنچه که علوم انسانی نامیده می شود را knowledge نامیده می شود. برای تولید علم اسلامی به روش اسلامی نیاز داریم.



1-نقد بنیادین می تواند اساس یک نظریه را ویران کند. مثلاً برای اندازه گیری ایمان نمی توان از روش های کمی استفاده کرد. اگر روش شناسی را خوب یاد بگیرید می توانید یک ساختمان بسیار محکم بسازید.

2-روش تحقیق مشخص می کند چه مطلبی، چگونه و با چه اندازه ای نوشته شود. روش تحقیق کار شما را کارآمد می کند و مانع از پرداخت کردن هزینه های اضافی می شود.



مکاتب و روش های که ما مطالعه می کنیم عام هستند و در علوم مختلف کاربرد دارند. تفکیک علوم از حیث موضوع (اقتصاد، علوم سیاسی و...) است و می توان روش تفسیری و اثبات گرایی را در سیاست و اقتصاد استفاده کرد اما هرکدام از این علوم از رشته ای که در آن به کار می رود تأثیر می پذیرد. مثلاً روش تفسیری در علوم سیاسی با روش تفسیری در اقتصاد متفاوت است. ممکن است روش تحقیق در یک رشته کاربرد داشته باشد اما همین روش در رشته دیگر کاربرد نداشته باشد. ممکن است روش هایی خاص یک رشته باشد. مثلاً روش لفظ شناسی که در فلسفه به کار می رود شاید در اقتصاد کاربرد چندانی نداشته باشد.

مدخل سازی در علوم مختلف متفاوت است ممکن است یک روش در تحقیق استفاده شود اما کسی از مدخل علوم سیاسی و فرد دیگری از مدخل فرهنگ یا ... نگاه می کند.

علوم انسانی نیز روش های خاص خود را دارد. تا امروز هیچ روش تحقیقی وجود ندارد که هیچ اشکالی نداشته باشد و اجماعی باشد. دو چیز را باید مد نظر قرار داد:

1- از روش هایی استفاده کنید که نقایص کمتری داشته باشد یا از روش های ترکیبی استفاده کنید.

2- به سمت تولید روش حرکت کنید و پیشنهاد بدهید.

چون روش ها محصول انسان است نباید توقع داشته باشید که روشی بدون نقص باشد.

\*کتاب روش تحقیق در علوم سیاسی (دکتر سید امامی) یکی از کتاب هایی است که برای دانشجویان علوم سیاسی مفید است.

### اثبات گرایی (positivism)

نقدی که اندیشمندان این حوزه به روش قدیمی علوم انسانی وارد کرده اند این است که کسی می آید فرضیه ای را پایه کارش قرار می دهد و دیگر نظریه ها را بر آن بنا می کند ایرادش این است که رشد علم در طول زمان بسیار کم است و ممکن است کسی بیاید و پایه نظریه قبلی را قبول نداشته باشد و کل علم قبلی را زیر سؤال می برد چون خاستگاه آن قانونی نیست و به قانون توجهی ندارد. اثبات گرایان برای رفع این مشکل تلاش کرده اند که علوم انسانی را بر سیاق علوم تجربی و پایه بازسازی کنند.

ساینس یعنی علمی که بر پایه قانون دارای جامعیت باشند و الگوی رشد علمی در این تفکر مورد توجه قرار گرفت. اندیشمندان این حوزه خودآگاه یا ناخودآگاه پذیرفته اند که در علوم انسانی نیز قانون وجود دارد.

اینکه کدام علم یعنی علوم انسانی یا علوم تجربی و ریاضی، علوم پایه هستند دعوایی است که از قدیم در حوزه علم وجود داشته است.

بین قانون و قاعده تفاوت وجود دارد.

قانون رابطه ای است، علی بین حداقل دو فاکتور که اگر الف وجود داشته باشد آنگاه ب وجود دارد. در این مسئله رابطه، علیت و کنترل اهمیت دارد. هنگامی که شما وارد علوم تجربی و ریاضی می شوید باید فرمول های بسیاری را بیاموزید تا بتوانید قدرت حل مسئله پیدا کنید.

اگر انسان ها به ماشین نزدیک شوند روش اثبات گرایی بیشتر جواب می دهد ولی در جامعه ما این روش چندان جواب نمی دهد زیرا مردم جامعه ما هوشمند عمل می کنند اما مردم آمریکا بسیار ساده فکر می کنند.

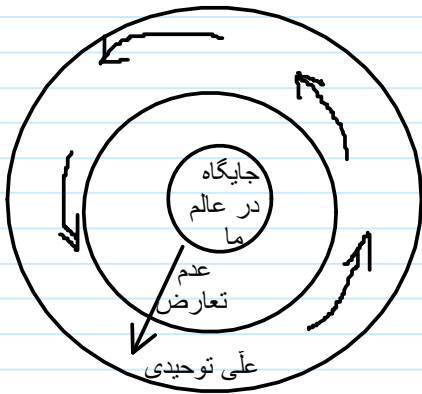
آیا می توان جامعه را فرموله کرد و ظرفیت های آن را در چارچوبی مشخص تعریف کرد؟ مثلاً در جوامع غربی که تفکرشان به دنیا محدود می شود بسیار ساده تر از جامعه اسلامی است که بعد معنوی را نیز در نظر می گیرد. اثبات گرایان معتقدند که می توان جوامع را فرموله کرد.

اثبات گرایی بعد از نقدهایی که به آن وارد شد و اکنش نشان داد و از پوزیتیویسم کلاسیک به سمت پوزیتیویسم احتمالی پیش رفت و احتمالات معقول را شکل داد. مثلاً می گویند که شاخص الف 70 درصد به حادثه ب منجر می شود.

نقص فرمول های اثبات گرایی بعد از آزمایش به دست می آید و آزمایشگاه علوم انسانی بسیار پرهزینه است و نمی توان تمامی فرمول ها را آزمایش کرد.

بعضی از گزاره هایی که مثلاً در علوم دینی مطرح است قابل اندازه گیری نیست و نمی توان آن را به صورت کمی نشان داد. رابطه علی توحیدی و رابطه علی سکولار در جهان وجود دارد.

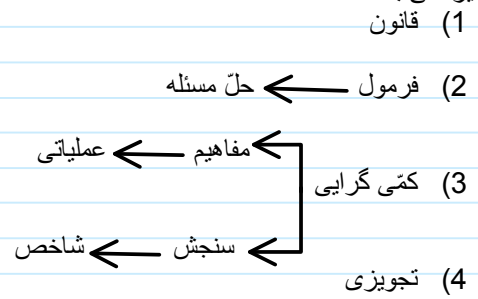
چون اکنون ما توانایی رسیدن به رابطه علی توحیدی را نداریم حداقلش این است که ما رابطه ای را پیدا کنیم که با رابطه توحیدی در تعارض نباشد نه اینکه کاملاً منطبق باشد. از درون سنت های اسلامی می توانیم قانون های علی را پیدا کرد و این قوانین را خداوند وضع کرده است. ممکن است جواب را خداوند به ما داده باشد اما روش رسیدن به آنها را باید خودمان بیابیم.



در کمی گرایی به دنبال عملیاتی کردن مفاهیم هستند و باید به گونه ای کمی شوند که قابلیت محاسبه داشته باشند. شاخص آن چیزی است که قابل اندازه گیری و سنجش کمی است. در سنجش باید به قدری پیشرفت کنیم و آن را عملیاتی کنیم تا به شاخص برسیم. اگر مطلبی مهم باشد اما نتوانیم برای آن شاخصی بدهیم باید آن را حذف کنیم.

نظریات اثبات گرایی به شدت تجویزی هستند یعنی با انجام چندین کار باید به نتیجه ای مشخص برسیم.

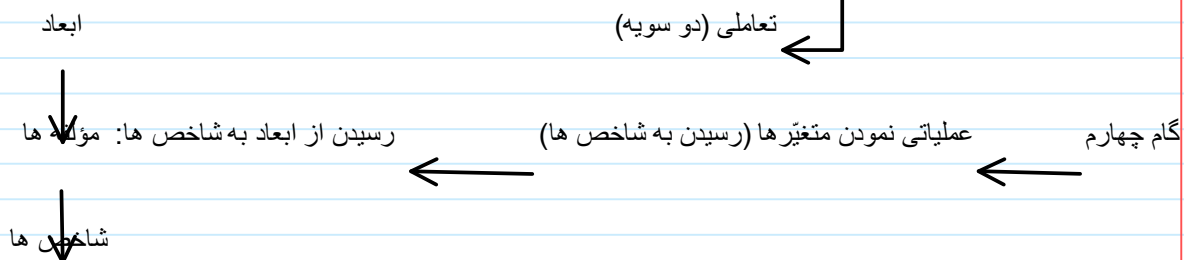
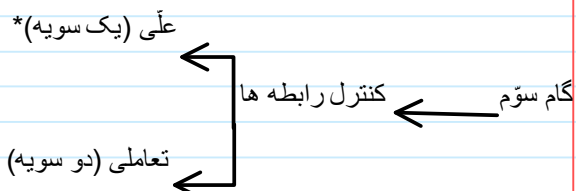
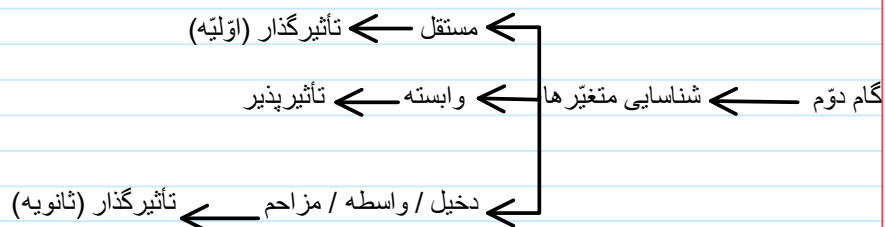
سیر کلی بحث:



## مروری بر مباحث جلسه گذشته

اثبات گرایی چون با ارقام سر و کار دارد از نظر تجویزی بسیار قوی است. تلاش می کنند تأثیر حضور محقق و سلیقه ها و... به حداقل برسانند.

گام اول ← تعریف متغیر



گام پنجم ← الگوی تحلیلی

گام ششم ← عملیات تحقیق نتیجه گیری

برای اینکه بتوانیم عوامل مؤثر بر تحقیق را کنترل کنیم باید متغیرها را بیابیم. متغیر عبارت است از مقوله ای که در حوزه تحقیق یا به نوعی تأثیر می گذارد یا تأثیر می پذیرد. متغیرها انواع مختلفی دارند.

متغیر مستقل متغیری است که تأثیر گذار اولیه است و متغیر وابسته متغیر تأثیر پذیر است و متغیر واسطه یا دخیل تأثیر گذاری آن ثانویه است.

مثال:

نقش افکار عمومی (مستقل) بر سیاست خارجی ایران (وابسته) در دوره جنگ تحمیلی (واسطه)

اگر متغیرها را اشتباه جایابی کنیم تحقیق را از مسیر اصلی منحرف می کند. مثال: ممکن است نقش افکار عمومی (مستقل) بر سیاست خارجی ایران (وابسته) موضوع تحقیق باشد یا این رابطه برعکس باشد یا رابطه متقابل هر دو را بخواهند.

قلمرو موضوعی یعنی باید متغیرها را مشخص و تعداد آنها را تعیین کنیم.

برای رسیدن به شاخص باید ابعاد و مؤلفه های آن را مشخص کنیم. مثال:

افکار عمومی یک سری مسائل و تجلیات صورتی (عینی) دارد و یا حالت عینی دارد (ابعاد). صورتی مثل: میزان مشارکت در سیاست های ملی (مؤلفه) یا

میزان مشارکت مردم در جنگ برای رسیدن به درصد (شاخص) مورد توجه قرار می گیرد. هر چه میزان مؤلفه ها کمتر باشد و با واسطه کمتری به شاخص برسد مفهوم و تحقیق را ساده تر می کند اما اگر واسطه های زیادی بین مؤلفه و شاخص باشد تحقیق پیچیده می شود.

الگو تحلیلی عبارت است از شماتیک (الگوی تصویر) متغیرها و تعاریف و تعابیر عملیاتی و روابط بین متغیرها

مثال گام پنجم:

سیاست خارجی	سیاست اعلامی	سیاست اعمالی
افکار عمومی		
تصور ذهنی		
عملکرد عینی		

باید روابط را تعیین کرد و اگر هم رابطه ای وجود نداشت باید نوشته شود. باید فیش برداری ها را منظم کرد و هر کدام را در جای خود به کار برد

### مضرات تحقیق کمی

تحقیقات کمی معمولا به "فرسایش معانی" منجر می شوند زیرا باید معانی انتزاعی را در مفهوم کمی نشان دهید. هیچ یک از معانی به صورت صد در صدی به صورت کمی در نمی آیند. مثلا نشان دادن تأثیر افکار عمومی که یک معنی انتزاعی است اما در تحقیق باید آن را کمی نشان دهیم.

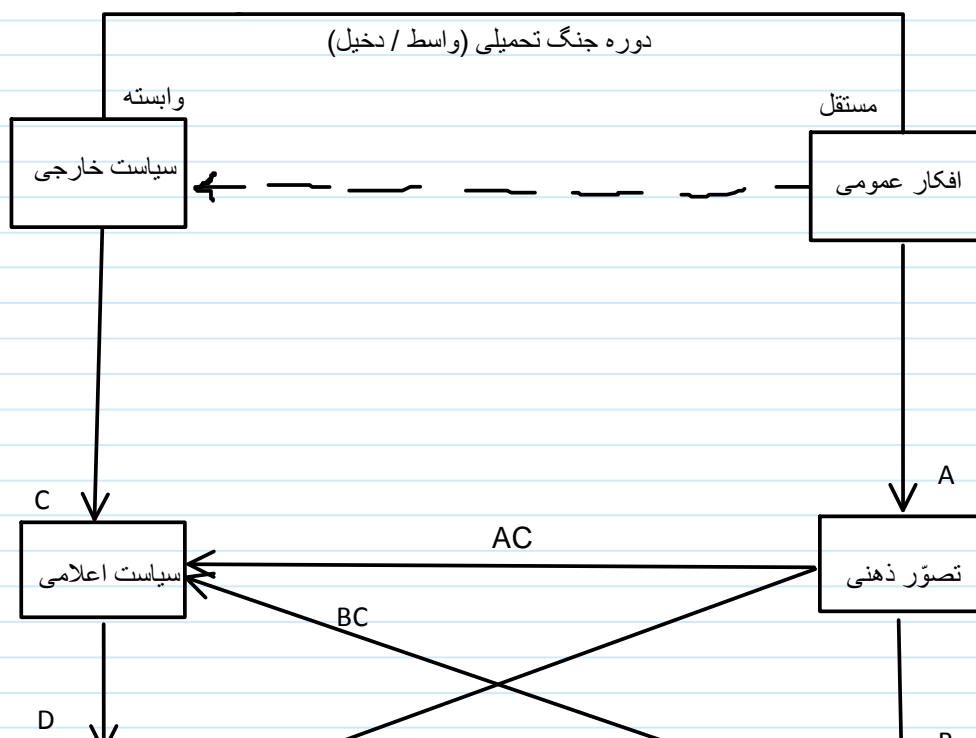
معمولا در تحقیق های کمی شرایط به صورت ایستا و آزمایشگاهی فرض می شوند. اینکه شرایط را ایستا فرض کنیم در تحقیق اختلال ایجاد می کند. کمی گرایان می گویند گریزی از این نیست زیرا اگر بخواهیم تمامی مؤلفه ها را نشان دهیم بسیار پیچیده می شود و توانایی نتیجه گیری را از ما می گیرد.

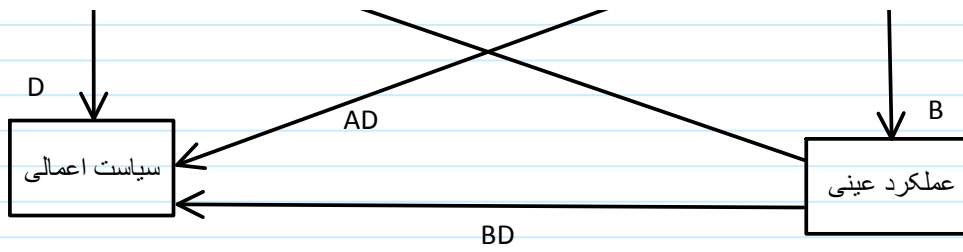
### مزایای تحقیق کمی

خوبی این الگوها نظم منطقی آن است. تحقیقات کمی قابلیت تجویزی را به ما می دهد.

هر چه موضوعات بیشتر به طرف سنجش موقعیت ها و روابط علی برود تحقیقات کمی بیشتر جواب می دهد. تأثیر داشتن آن مفروض است اما شما باید میزان آن را نشان دهید.

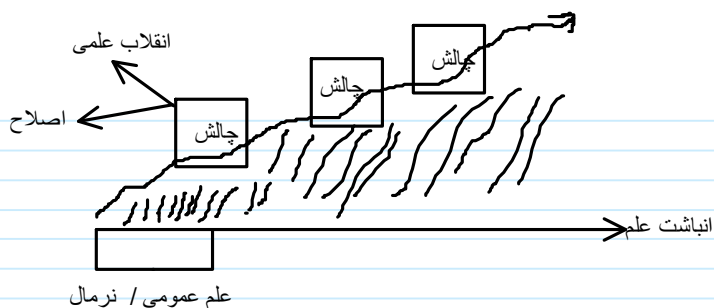
اما در ماهیت شناسی و هوشناسی و... تحقیقات کمی جواب نمی دهد.





در یک تقسیم بندی از لحاظ تاریخی علم به دو دسته تقسیم می شود:

- متعارف normal
- انقلابی revolution

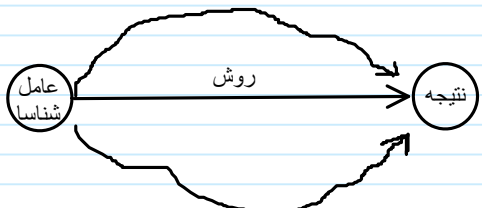


کسی که در ذیل مکانیک نیوتون رشد کرده تمام مفاهیم برای او یقینی است. ما هیچ گونه قطعیتی در عالم نداریم. اگرچه هر مکتبی روی نظر خود تأکید دارد اما زمانی که انقلاب رخ می دهد نادرستی یا ناقصی آن نظر آشکار می دهد.

این سؤال که علم چیست؟ یک سؤال جدی در حوزه فلسفه علم است. برخی قائلند که ذهنیت هر فرد علم است برخی دیگر روش به دست آوری نتیجه را علم می دانند برخی نیز نتیجه حاصل شده را علم می نامند.

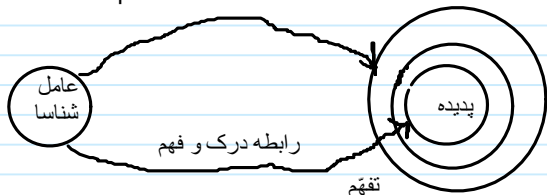
علم دو ساحت دارد:

- مرحله گردآوری
- داوری



مقدمه به وجود آمدن روش تفسیری همان انتقاداتی بود که به پوزیتیویسم وارد شد. پوزیتیویسم اگرچه در حوزه نظری مورد نقد و داراری مبانی ضعیفی است اما در عمل بهتر جواب می دهد و از آن بهره گیری می شود. ما در حوزه علم ثابت کرده ایم که نتیجه برای ما مهم تر است.

سلطه positivism



### تفسیری

مکتب تفسیر ایجاد شد که نقیصه پوزیتیویسم را حل کند. آنها معتقدند، وظیفه علم امکان درک و فهم پدیده هاست. فنومن در فارسی به پدیده (چیز) ترجمه شده است. علم ما از بی نهایت فنومن تشکیل شده است. (فنومن، صورت و نومن، معنا است)

پدیده ها در حوزه تفسیری، لایه لایه است و به میزان عمق و نفوذی که در آن دارید، می توانید آن را درک کنید نه اینکه یک بار آن را شناختید و حال آن را توضیح دهید. (پدیده ها؛ بسیط، مرکب یا لایه ای؟)

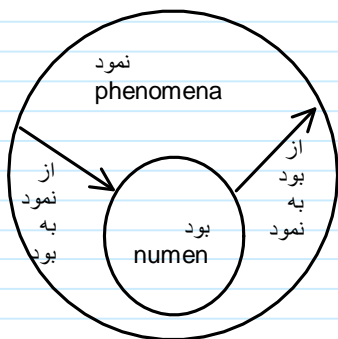
اگر اصالت را به نمود بدهیم، به روش پوزیتیویسم و اگر اصالت را به بود بدهیم، به روش تفسیری نزدیک می شویم. (بازخوانی نمود در پرتو بود)

نسبیت

نسبی یعنی رابطه یک پدیده با A (مثلا عسل اگرچه خوب است اما نسبت به خریزه خوب نیست). اما نسبیت ناظر به خود پدیده است (مثلا خوبی یا بدی در عالم خارج وجود دارد یا ندارد. اگر بپذیریم که ما خوبی ها را ایجاد می کنیم نسبیت را پذیرفته ایم).

در دموکراسی به نسبیت قائل هستند یعنی هرچه مردم گفتند، خوب است. نسبیت در نگاه شریعت مدار قابل پذیرش نیست.

تکثر معارف از اصول تفسیرگرایی است.



- 1- لایه ای بودن پدیده ها
- 2- معنا / صورت (بود / نمود)
- 3- اصالت بود
- 4- نسبیت
- 5- تکثر معارف

تفسیری

روش: شیوه گذر از صورت برای نیل به معانی

باید به این موضوع فکر کنیم که آیا ما در فلسفه اسلامی روش تفسیری را پذیرفته ایم یا خیر؟ اینکه امام می فرماید: آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند به خاطر اینست که در باطن (نومن) دست ما در دست خداست به همین دلیل آمریکا نمی تواند هیچ غلطی بکند.



کتاب: بازخوانی مکتب تفسیری در  
حوزه علوم اجتماعی انتشار دانشگاه  
امام صادق ع

**گام های عملیاتی تفسیر (علوم انسانی):**

**1- شناسایی عمل اجتماعی:** که در حکم لایه رویی (صورت) پدیده است. از طریق این تجزیه و تحلیل میتوان به سطحی از درک پدیده ها برسیم. اهداف و نتیجه در این مرحله بررسی میشود چراکه نمود عینی پیدا کرده اند.  
\*انگیزه: وجه دلالتی که در ذهن خود برای انجام یک عمل را داریم. بنابراین انگیزه بعد انتزاعی یک اقدام را شامل میشود که به شدت با کارگزارش در ارتباط است. به انگیزه «نیت» نیز میگویند.  
\*غایت: تجلی انگیزه ها به صورت کلی است.  
\*هدف: بخش قابل تحقق انگیزه است. کاملا عینی است و باید قابل تحقق باشد.  
اهداف بلند مدت و کوتاه مدت داریم به طوری که به سمت یک غایت حرکت میکند ولی ممکن است عینا خود غایت محقق نشود چراکه قسمتی از انگیزه در آن است.  
\*نتیجه: قسمت محقق شده از اهداف است.

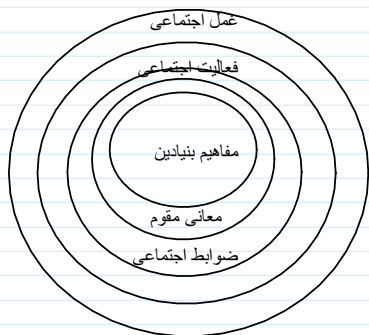
**2- فعالیت اجتماعی:** منظور از فعالیت اجتماعی، زیربناهای عمل اجتماعی است که درون هر جامعه ای در قالب آداب، رسوم و یا اقدامات جمعی است. در این لایه باید در شبکه روابط اجتماعی نفوذ کنیم.  
شبکه روابط اجتماعی: که باید مشاهده شود که این پدیده در چه شبکه ای است. یک وقت صنفی است و یک وقت امنیتی است و ... در این شبکه روابط اجتماعی باید تأثیرات متقابل را بررسی کنیم یعنی ببینیم که ساز و کارش چگونه است. از طریق تأثیرات متقابل باید بتوانیم نقش ها را شناسایی کنیم. تفسیر پدیده سبب شناسایی نقش ها میشود.  
**3- ضوابط اجتماعی:** منظور از ضوابط اجتماعی قوانین و قواعدی است که یک پدیده را به حرکت وامیدارد. ما باید پدیده ها را در قواعد منطقه اتفاق افتادن آن بررسی کنیم مثلا در یک جا زدن بد است و در جای دیگر خوب است. ما از طریق ضوابط اجتماعی میتوانیم «چارچوب رفتار» را درک کنیم. در این لایه ما به اصول و ضوابطی میرسیم فرد میخواهد بر طبق آن رفتار کند.  
\*قانون: منون و وضع شده است که تخلف آن مجازات دارد.  
\*قواعد: در جامعه متعارف است ولی کسی آن را وضع نکرده و نانوشته است.

**4- معانی مقوم:** منظور از معانی مقوم، آن دسته از تصورات، تعاریف و اصولی است که به صورت مشترک بین الادهانی درآمده اند، به این معنا که جهان فکری بازیگران را شکل میدهند. مثلا ما معتقدیم که حاکمیت از آن خداست ولی غربی ها میگویند که حاکمیت از آن مردم است لذا نباید انتظار داشت که ما دموکراسی به معنای غربی را داخل ایران محقق کنیم. وقتی در معانی مقوم کم می آوریم به سراغ منتزاع کاری میرویم و همان را از غرب میگیریم و انجام میدیم. و در همه علوم باید معانی مقوم را ایجاد کنیم و پیدا کنیم، جنس آن از نوع فلسفه است. آن چیزی که باعث میشود که امری که در ظاهر شبیه هم هستند را از هم منفک کنیم، همین لایه است. مثلا تجسس و امر به معروف و نهی از منکر در ظاهر شاید شبیه هم باشند اما از طریق این لایه میتوان از هم جدا کرد و یکی را حرام و دیگری را واجب دانست.

**5- مفاهیم بنیادین:** مفاهیم و میانی هستند که ساختار جهانی را شکل داده و از ناحیه کانونی ماورایی ارائه میشود. این مفاهیم از جنس مشترک بین الادهانی نیست. در این لایه ما به هدایت نیاز داریم که این هدایت از طریق یک جهانیابی صورت میگیرد. این لایه مخصوص متفکران اسلامی است یعنی آنها معتقد به این لایه هستند. اعتقاد به توحید و معاد و... مربوط به این لایه است.

\* وظیفه اصلی عالم تفسیری آن است که بتواند از سطح لایه صوری به سمت مفاهیم بنیادین نفوذ کرده و معنای پدیده مورد تحقیق خود را بر اساس یافته های لایه های پنجمانه تدوین نماید، بر این اساس حداکثر دقت باید لحاظ کردند تا آلا تمامی لایه ها بررسی گردد و ثابا نسبت بین لایه ها رعایت شود که در این صورت به شبکه به هم پیوسته ای از مفاهیم دست پیدا خواهیم کرد.  
\* اگر با رویکرد تفسیری به پدیده ها نگرینسته شود، در انصورت شاهد خواهیم بود که:

- 1- در حوزه سیاست و اجتماع هیچ پدیده ساده ای وجود ندارد.
- 2- در حوزه سیاست و اجتماع، پدیده های یکسان و مشابه به معنای کامل آن وجود ندارد.
- 3- در حوزه سیاست و اجتماع هیچ پدیده ای از دیگر پدیده ها جدا نمیشد.



پدیده

بازخوانی مکتب تفسیری در حوزه علوم اجتماعی  
دکتر افتخاری  
تفاوت انگیزه و غایت و هدف و نتیجه

## گام های عملیاتی تفسیر

پدیده های اجتماعی را نمی توان ساده تجزیه و تحلیل کرد ما باید معانی را درک کنیم تا بتوانیم پدیده ها را تجزیه و تحلیل کنیم.  
هنگامی که یک پدیده را مشاهده می کنیم باید چند گام را برداریم:

انگیزه: وجه دلالتی برای انجام یک کار است و بعد انتزاعی یک کار را شامل می شود که به شدت با کارگزار آن مرتبط است. در متون دینی از آن به نیت تعبیر شده است. مثل: کسب رضایت الهی

غایت: تجلی انگیزه هاست به صورت کلی. غایت از یک سو به انگیزه و از سوی دیگر و از سوی دیگر به هدف نزدیک است. غایت ممکن است صد در صد رعایت نشود اما حداقل می تواند جهت ها را مشخص کند. غایت مصداقی نیست و به ابعاد معنوی نیز توجه دارد. مثل: تشکیل حکومت عدل الهی

هدف: کاملاً عینی است و باید زمینی باشد تا قابلیت دستیابی داشته باشد.

نتیجه: بخشی از هدف است که ممکن است به آن نرسیده باشیم.

جامعه مثل یک تور است که باهم تشکیل یک شبکه اجتماعی می دهد.

۱- شناسایی عمل اجتماعی که در حکم لایه رویین یا صورت مثلاً در بررسی انقلاب صورت آن حرکت های مردم با سلاح و تبلیغات و شعارهاست. در تجزیه و تحلیل پدیده های اجتماعی باید به دو چیز توجه کنیم: ۱- اهداف ۲- نتایج که در صورت رویین تجلی می کنند.

۲- فعالیت اجتماعی: منظور از فعالیت اجتماعی زیر بناهای عمل اجتماعی است که درون هر جامعه ای در قالب آداب و رسوم و یا اقدامات جمعی، جامعه، شکل گیری شبکه روابط اجتماعی است. با دیدن پدیده های اجتماعی باید بتوانیم ربط صورت را با شبکه اجتماعی پیدا کنیم. در شبکه روابط اجتماعی باید به تأثیرات متقابل آن توجه کنیم. از طریق شبکه های اجتماعی و روابط متقابل می توانیم نقش ها را در فعالیت های اجتماعی مشاهده کنیم. مثلاً: یک اعتراض از سوی یک صنف اگر صورت گرفته باشد با پول قابل حل است اما اگر از سوی احزاب صورت گرفته باشد به راحتی قابل حل نیست.

۳- ضوابط اجتماعی: منظور از ضوابط قوانین یا قواعدی است که یک پدیده را به تحرک و می دارد. چهارچوب رفتار از درون ضوابط اجتماعی پیدا می شود. مثل: ربا که در ظاهر به کارمزد تغییر نام پیدا کرده اما همان ضوابط و ساختار را دارد.

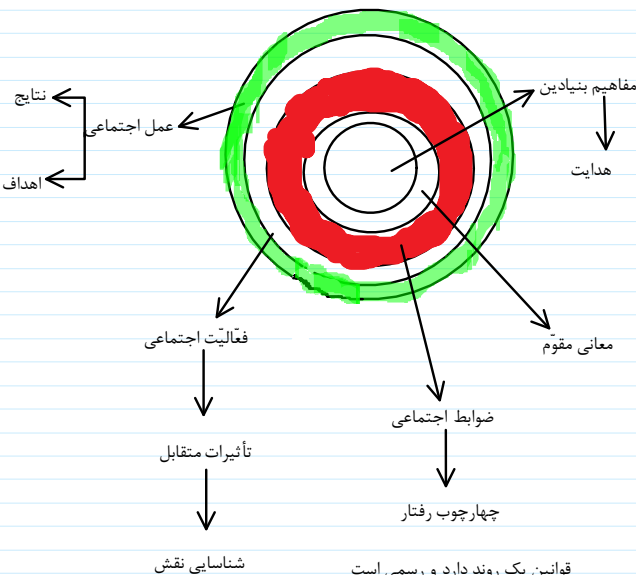
۴- معانی مقوم: منظور از معانی مقوم آن دسته از تصورات و تعاریف و اصولی است که به صورت مشترک بین الادهانی درآمده اند بدین معنا که جهان فکری بازیگران را شکل می دهند. مثلاً: ما توانسته ایم فلسفه حکومت اسلامی را به خوبی بسازیم اما در جایی که کم می آوریم به مونتاژ کاری روی می آوریم و دچار مشکل می شویم مثل حزب که بسیار اختلاف وجود دارد که آیا ما در حکومت اسلامی حزب داریم یا خیر. این لایه بسیار مهم است که باید حوزه ها و دانشگاه ها در این حوزه فعالیت کنند.

۵- مفاهیم بنیادین: آن مفاهیم و اصول و مبانی هستند که ساختار جهان بینی را شکل داده و از ناحیه کانونی ماورایی (شارع مقدس) ارائه می شود و جنس مشترک بین الادهانی نیست. اهمیت مفاهیم بنیادین از این رو است که اگر جهان بینی را درک کنیم، از درون آن می توانیم به هدایت برسیم. همه حوزه های تحلیلی احتیاج به هدایت دارد. اگر کسی ماتریالیسم را بپذیرد تک بعدی نگاه می کند و شهادت را تلف کردن جان خودش می بیند اما کسی که دینی نگاه می کند با رغبت به سوی شهادت می رود. هدایت از جهان بینی ناشی می شود

وظیفه اصلی عالم تفسیری آن است که بتواند از سطح لایه صوری به سمت مفاهیم بنیادین نفوذ کرده و معنای پدیده مورد تحقیق خود را بر اساس لایه های پنجگانه تدوین نماید بر این اساس باید حداکثر دقت صورت گیرد که اولاً تمامی لایه ها شناسایی گردد.

ثانیاً نسبت بین لایه ها باید رعایت شود که در این صورت به شبکه به هم پیوسته ای از مفاهیم دست پیدا خواهیم کرد. اگر با رویکرد تفسیری به پدیده ها نگر بسته شود در آن صورت شاهد خواهیم بود که:

- ۱- در حوزه سیاست و اجتماع هیچ پدیده ساده ای وجود ندارد.
  - ۲- در حوزه سیاست و اجتماع پدیده ها یکسان و مشابه به معنای کامل وجود ندارد.
  - ۳- در حوزه سیاست و اجتماع هیچ پدیده ای از دیگر پدیده ها جدا نیست.
- یوزینیوسیم با صورت و لایه های رویین کار می کند اما روش تفسیری بسیار عمیق است



## مروری بر جلسه گذشته

گام های روش تفسیری:

- شناسایی عمل اجتماعی
- فعالیت اجتماعی
- ضوابط اجتماعی
- معانی مقوم
- مفاهیم بنیادین (مخصوص مسلمانان است).

مکتب تفسیری بر چند اصل کلی استوار است. که یکی از آنها تکثرگرایی است. منظور از تکثرگرایی تعدد و تنوع است. مثلاً اگر تک حزبی باشیم نمی توان گفت تکثرگرایی مثل حزب جمهوری اسلامی اوایل انقلاب که فعالیت آن متوقف شد. ممکن است تعدد باشد اما تنوعی نداشته باشد مثلاً همگی از یک شرکت باشد مثلاً حزب الف با حزب ب در چه چیزی باهم تفاوت دارند مثلاً در اداره جامعه یا مرام نامه و... .

مکاتب تفسیری بنا به عملکردشان به تکثرگرایی ختم می شوند. چون در مکتب تفسیری چند لایه ای نگاه می کنیم و در این لایه ها اختلاف رأی به وجود می آید. تکثرگرایی و روش تفسیری ملازم هم هستند و هر کدام دیگری را در پی دارد. مثلاً نظام های جمهوری چون اصل تکثر را پذیرفته اند حقوق مردم را متفاوت تفسیر می کنند.

## انتقادی

تلاش می کند از کاستی هر دو روش پوزیتیویسم و هرمنوتیک بکاهد و ترکیبی از آن دو را داشته باشند اما گاهی به اینجا می رسند که ضعف هر دو را دارند. کریتیکیال ها ادعا دارند که نمی توان کامل بر پوزیتیویستی متکی بود تلاششان یک فهم تفسیری است اما فهم در یک چهارچوب. آنها می خواهند که بتوانند تفسیر گرایی را در چهارچوب خاصی داشته باشند. دیدگاه انتقادی از نظر انتزاعی و ذهنی به تفسیرگرایی و از نظر الگوی مرجع به پوزیتیویسم نزدیک است و شباهت دارد.

هورکمایمر اولین کسی بود که روش انتقادی را پایه گذاری کرد و امروزه هابرماس از بزرگان این مکتب است.

هابرماس نماینده مکتب آلمانی انتقادی در عصر حاضر است. رویکرد انتقادی الگوی خود را روی سؤال از متن و زمینه متمرکز کرده است.

متن: عبارت است از کلام و گفتار و رفتاری که متضمن معنا بوده و در قالب ها صوری مختلف نسبت به انتقال معنا اقدام می نماید.

زمینه: عبارت است از مجموعه مؤلفه های سخت یا نرم (ذهنی/عینی) که در شکل گیری معنا و یا انتقال آن و یا نحوه کاربرد آن تأثیر دارد.

مثلاً اگر شما بگویید که نگفتم که این کار را نکن؟ اگرچه متن منفی است اما معنا مثبت است. مثل اینکه با خنده بگوییم غیبت نکن.

کریتیکیال ها معتقدند رابطه بین متن و زمینه تعاملی است قواعد و ضوابطی که بین این دو وجود دارد تعاملی است.

کسانی که روش تفسیری را می پذیرند که از معنا شروع کنند اما می گویند که جامعه و زمینه ها خنثی و منفعل نیستند و مقاومت می کنند.

گاهی اوقات صورت به معنی شکل می دهد. زمانی که ایده هایی تولید می شود به راحتی در جامعه پذیرفته نمی شود و جامعه مقاومت می کند .

## (INTERACTION مقاومت اجتماعی)

بین متن و زمینه (CONTEXT) تعامل وجود دارد و شما باید به فهم این دو دست یابید. مثلاً قرآن قابل تفسیر آزاد نیست و هر تفسیری را نمی

پذیرد. متن قرآن مرده نیست بلکه مانند یک موجود زنده است. قواعد، چهارچوب ها حاکم بر موجود زنده است. بدن انسان اگرچه موجودی همه

چیز خوار است اما چهارچوب های آن اقتضا می کند که هر چیزی را نپذیرد.

کریتیکیال ها واقع بینانه ترند نه مثل پوزیتیویست ها بسیار رئالیست و نه مثل تفسیری ها ایده آلیست هستند. این خطر نیز کریتیکیال ها را تهدید

می کند که بیشتر جانب کدامیک را می گیرند.

باید به این نکته توجه کنیم که موضوع تحقیق و روش تحقیق باهم تناسب داشته باشد. باید روش مناسبی انتخاب کنیم و این تناسب در دو سطح

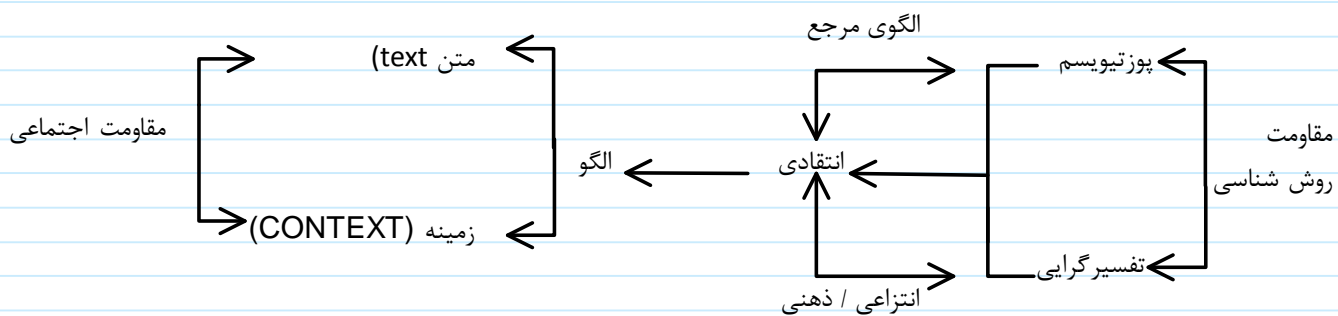
باید برقرار باشد:

۱- ماهیت (ذهنی / عینی): در مباحث عینی روش پوزیتیویسم و در مباحث ذهنی روش تفسیری کارآیی بیشتری دارد.

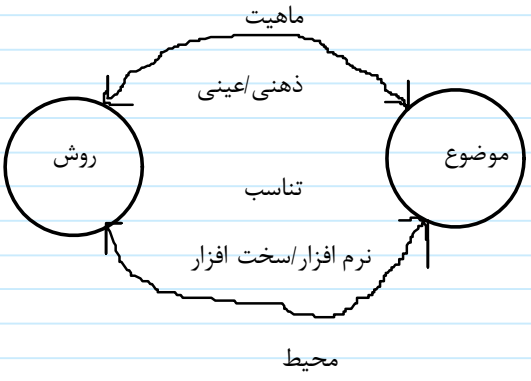
۲- محیط (شرایط و زمینه): محیط ها هرچه به سمت سخت افزار بروند روش پوزیتیویسم و محیط ها هرچه به سمت نرم افزار بروند روش های

تفسیری بیشتر جواب می دهد.

از نظر کلی مکتب انتقادی بهتر از آن دو است اما در جزئیات ممکن است روش انتقادی نتواند جواب دهد و مجبور شویم از روش پوزیتیویسم استفاده



ماهیت



مباحث روش تحقیق:

مکاتب روش تحقیق

طرح تحقیق: متولی این است که شما طرح تحقیق را طرح کنید. (پروپازال) طرح نامه نقشه راه مهندس است.

الگوی نظام مند و به هم پیوسته از مسائل مختلف تحقیق که راهنمای پژوهش و نحوه عملیاتی کردن آن می باشد.

طرح نامه شامل ۱۰ الی ۱۲ محور است:

### ۱- طرح مسئله

طرح مسئله با آن سؤالی که مطرح می کنیم متفاوت است.

طرح مسئله (طرح موضوع) عبارت است از حوزه ای که مورد دغدغه ذهنی محقق بوده و لذا محقق با بیان ابعاد، رویکرد ها یا

دیدگاه های مختلف سعی می کند ذهن مخاطب را متوجه محور اساسی نماید که در آن تحقیق بحث خواهد شد.

مثال: تأثیر پایبندی به دین در التزام به قوانین سؤال مورد نظر است اما قبل از این باید مقدمه ای مطرح شود که دین یک

مجموعه به هم پیوسته است و دین از عوامل بسیار مؤثر بر اجتماع است و...

در مقاله لازم نیست دو الی سه صفحه به طرح موضوع بپردازیم و زیاد به عقب برگردیم بلکه این کار را باید در پروژه های ملی و

پایان نامه ها صورت بگیرد.

### ۲- سؤال اصلی

سؤال اصلی موظف است از متغیرهای اصلی سؤال کند. سؤال باید به صورت صریح و در قالب یک جمله سؤالی نوشته شود. نوشتن

کلمات مبهم باعث می شود که داور بتواند به بخش های مختلف ایراد وارد کند. سؤال اصلی باید محدود باشد. مقاله که نباید بیش

از یک سؤال اصلی داشته باشد و پایان نامه ها نیز معمولاً یک سؤال داشته باشد.

تبصره: پروژه های کلان یا ملی چون ابعاد مختلف دارند یک سؤال ندارند.

### ۳- سؤال فرعی

به سؤالاتی گفته می شود که زمینه منطقی لازم را برای رسیدن به سؤال اصلی را فراهم می سازد. معمولاً مقالات با ۳ سؤال فرعی

و پایان نامه ها معمولاً بین ۳ الی ۵ سؤال فرعی دارند.

در سؤال فرعی به متغیرهای فرعی می پردازد و همانند سؤال اصلی باید صریح پرسیده شود. سؤال فرعی باید منظم باشد و باید

توضیح داده شود که چرا فلان سؤال را اول قرار دادیم و سؤال دیگر را سوم. مثلاً سؤال فرعی تأثیر قدرت بر بدن را می توان

اینگونه نوشت که ۱-عوامل ایجاد قدرت چیست؟ ۲-نظام احساس ضربه بر بدن چگونه است؟ ۳-تأثیر محیط بر شدت نیروی وارد

شده بر بدن چیست؟ (یک سؤال از متغیر تأثیرگذار و یک سؤال از متغیر تأثیرپذیر و یک سؤال از محیط تأثیرگذار به گونه ای که

همین نظم حفظ شود و در پایان جواب دادن به این سه سؤال منجر به پاسخگویی به سؤال اصلی شود.)

### ۴- هدف

هدف نباید با غایت و نتیجه اشتباه شود.

غایات آن اهداف آرمانی هستند که تحقیق در راستای آن انجام می شود. عبارت «در راستای میل به» در مورد غایات به کار می

رود و اینگونه نیست که باید تحقیق شما به غایت برسد و آن را محقق کند. غایت به ما جهت می دهد.

هدف تعریف شده است و نتیجه محقق شده است. ممکن است غایت در راستای زیارت کردن باشد و هدف مشاهد رفتن باشد و

نتیجه رفتن تا شاهرود بشود.

در یک هرم غایت در بالاترین طبقه و بعد اهداف و بعد نتایج قرار می گیرد. غایت باید محدود باشد و هرچه به سمت نتایج حرکت

می کنید مرتبط و زیاد شود.

### اسناد بالادستی

منظور از اسناد بالادستی مدارکی است که به دلیل تضمین غایات در آنها در حکم مرجع و مبنای پژوهش هستند. حد و حدود ما را

مشخص می کند مثلاً قانون اساسی را می توان به عنوان سند بالا دستی قرار داد یا مثلاً تئوری های هابرماس سند بالا دستی ما

شود. اسناد بالا دستی به دلیل اینکه معرف غایات هستند مهم اند.

### پیشینه

باید ربط نزدیک را بگیریم و هر منبعی را جزء پیشینه قرار ندهیم.

معتبر و مهم باشد مثلاً روزنامه و سایت ها منبع معتبری نیستند. پالایش از کارهای یک محقق است و باید منابع مختلف را ببیند.

به روز باشد. یعنی همین چهار یا پنج سؤال اخیر نوشته شده باشد.

رعایت الگوی استاندارد

هیچگاه ننویسید که منبعی در این موضوع وجود نداشت و این نقطه ضعف است (پایان نامه ها و مقالات و همایش ها می تواند

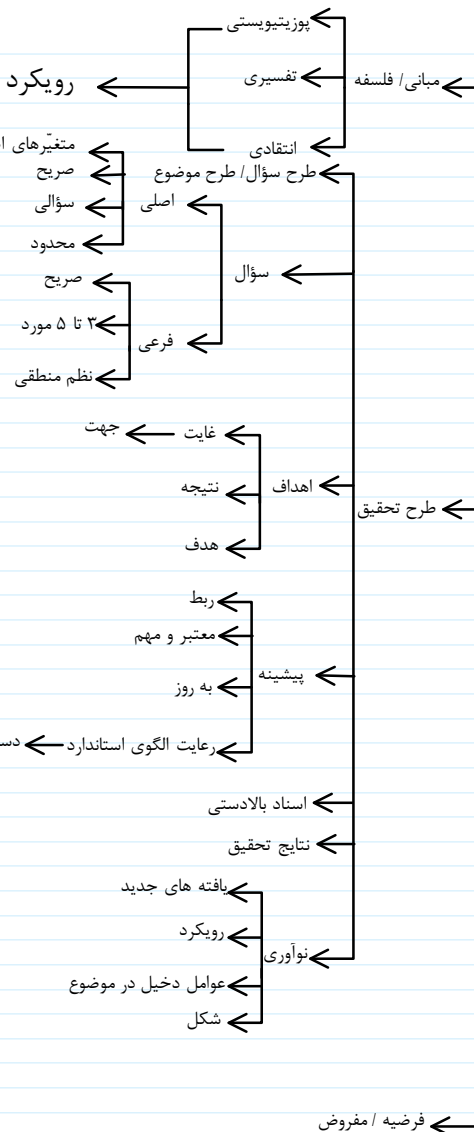
منبع باشد) زیرا داور از نمره پایان نامه شما را کم می کند. محقق باید مقالات استاد راهنما را بخواند تا با فضای ذهنی او آشنا

شود و تنش ها را کاهش دهد.

### نوآوری

هیچ مقاله ای نباید بدون نوآوری باشد باید ۳۰ الی ۴۰ درصد در ارشد باید نوآوری داشته باشد و در پروپازال نشان داده شود.

از کلماتی استفاده کنیم که معتدل تر باشد تا در هنگام قضاوت راحت تر باشد.



اینکه به داور می گویند توجه نکردید یا با دقت نخواندید

باعث می شود در داوری او تأثیر گذار باشد.

نوآوری می تواند در:

- یافته های جدید
- رویکرد (تفسیری، انتقادی و...)
- عوامل دخیل مثل: زمان و...
- شکلی (به تنهایی قابل قبول نیست مثل تغییر در تقسیم بندی ها)

#### فرضیه و مفروض

مفروض: اصول مبانی یا یافته هایی که به نحوی در دوره پیش از تحقیق پذیرفته شده است و در پژوهش حاضر موضوع تحقیق قرار نمی گیرد. مفروض باید قوی و مستند و معتبر باشد.

محقق باید مفروضات را قوی انتخاب کند اما وظیفه ندارد که مفروضات را اثبات کند. مثلا سؤال ما این است که تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت ملی چقدر است اما ما وظیفه نداریم که اثبات کنیم که در اسلام سرمایه اجتماعی داریم یا خیر.

از منظر = با نگاه به ... در عنوان ها برای نشان دادن عوامل مداخله گر یا واسط هستند.

مثلا سؤال اصلی: تأثیر حضور در شبکه های اجتماعی بر انزوای اجتماعی گروه های مختلف اجتماعی

سؤال فرعی: الگوهای حضور در شبکه های اجتماعی (اگر مفروض باشد نیازی به نوشتن نیست)

تأثیر وب ۱ بر انزوای دانشجویان

تأثیر وب ۱ بر انزوای مادران

تأثیر وب ۱ بر انزوای پسران مجرد

تأثیر وب ۲ بر انزوای دانشجویان

.

.

.

(گروه های اجتماعی را باید در مفروضات آمده تعریف شده باشد و محدود در چند گروه باشد).

فرض / مفروض:

مفروضات بسیار مهم است اما در برخی پروپازال ها نادیده گرفته می شود. مفروضات، فرضیه ها نیستند بلکه آن چیز هایی هستند که پایه و مبنای کار ما هستند اگر در این حوزه کم کاری کنیم در نوشتن فرضیات به مشکل می خوریم زیرا گاهی مفروضات را به عنوان فرضیه مطرح می کنیم که کاری بیهوده است. مثلا ما ولایت فقیه را پذیرفته ایم و از مفروضات ماست پس نمی تواند فرضیه ما این باشد که آیا ولایت فقیه مشروعیت دارد یا خیر؟

با تعیین مفروضات نیروی خود را روی چیزی که قبلا اثبات شده است نخواهیم گذاشت و زیاد نباید به آن پردازیم و اصل تحقیق را به رابطه متغیرها پردازیم. اگر مفروضات را سست انتخاب کنیم کار تحقیق ما بسیار با مشکل روبه رو می شود. مثل اینکه بگوییم خانه ساخته ای اما ستون آن ضعیف است. مثلا ما اصل تاثیر را پذیرفته ایم پس دیگر نباید وقت خود را صرف کنیم که اصل تاثیرگذاری را اثبات کنیم.

هر چیزی که قطعی یا بدیهی شد بهتر است مفروض شود تا فرضیه.

برای اینکه چرا فلان چیز را مفروض کرده ایم باید دلیل داشته باشیم اما لازم نیست که مفروض را اثبات کنیم.

فرضیه عبارت است از جمله خبری کارشناسانه در پاسخ به سؤال که می تواند مورد ارزیابی علمی قرار گرفته و تأیید یا ابطال شود. فرضیه ها متناسب با سؤال ها به اصلی و فرعی می تواند تقسیم شود. فرضیه فرعی را نمی توان جلو سؤال اصلی بنویسیم بلکه باید همه آنها را منظم کرد

برای فرضیه باید ایده اولیه داشته باشد و نباید برای فرضیه خالی الذهن باشد. فرضیه باید متناسب با سؤال اصلی و نوآورانه باشد. دانشجو باید در حوزه ای که مطالعه دارد باید فرضیه بدهد. فرضیه پاسخ کارشناسی اولیه شما به سؤالی اصلی است که قبلا طرح کرده ایم. فرضیه باید چیزی باشد که به سؤال اصلی پاسخ دهد نه به سؤال فرعی پاسخ دهد یا به مفروضات برگردد.

### ویژگی های فرضیه:

کارشناسی و پیچ و تاب داشته باشد.

پاسخی به سؤال اصلی باشد. (فرضیه اصلی مقابل سؤال اصلی)

فرضیه باید به صورت خبری باشد. (باید به صورت یک جمله خبری پاسخ سؤال مطرح شده را بدهیم).

فرضیه باید دارای نوعی از نوآوری باشد.

### نوآوری در محتوا

چیزی که تا به حال کسی به آن توجه نکرده است. می تواند کاملا نو باشد یا در پاره ای از شرایط نو باشد.

### نوآوری در رویکرد

مثلا از منظر اسلام به سرمایه اجتماعی نگاه کنیم به جای اینکه از منظر لاک نگاه کنیم.

### نوآوری در روش

مثلا تحلیل سرمایه های اجتماعی با روش تفسیری

### نوآوری در تبیین (شکلی و صوری)

مثلا شکل و ساختاری که به محتوا داده ایم متفاوت از دیگران است.

و... محدودیت در نوآوری وجود ندارد اما باید نوآوری خود را تبیین کنیم.

موضوعات را باید با دقت انتخاب کنیم و نوآوری به وجهی در آن وجود داشته باشد.

\*هرچه موضوع بکر باشد، امکان نوآوری در آن افزایش می یابد زیرا پیشینه کاهش می یابد و باعث می شود که نوآوری راحت تر شود اما کار آن بسیار سخت است. مثلا: مطالعه امنیت در دهه ۷۰ بسیار نوآورانه بود چون منبع فارسی وجود نداشت و هیچ



کس در این حوزه کار خاصی نکرده است.

## خلاقیت ذهن

متنوع کارکردن

زیاد مطالعه کردن

شرکت در گفتگوهای انتقادی

«خلاقیت در اسلام را می توان با تهذیب نفس رسید. جرقه ذهنی از نوع من یشاء است. (نوع علم در اسلام(نور) و غرب(معرفت) متفاوت است). هرچه در تهذیب نفس جلو برویم ایده های خلاقانه راحت تر به ذهن شما می رسد. یکی از موضوعات تحقیق می تواند همین باشد که تأثیر تهذیب نفس بر خلاقیت چیست؟»  
\*تبصره:

اینگونه نیست که تمام تحقیقات ما نیاز به فرضیه داشته باشد و فرضیه محور باشد. البته در کارهای دوره کارشناسی فرضیه نیاز دارند.

- تحقیقات اکتشافی:

تحقیقاتی که از قبل چیزی وجود ندارد و باید کشف شود مثل: تأثیر بنگاه های تبلیغاتی خارجی بر میزان انصراف از یارانه ها

- تحقیقات توصیفی - تبیینی:

در برخی از موارد پژوهش به گونه ای است که جنبه توصیفی و تبیینی پیدا می کند به گونه ای که نوآوری پژوهش اقتضای عدم فرضیه را دارد. مثل اینکه دلیل نوآوری این کار این است که کسی قبلا کار نکرده است. ریز کردن موضوع و کالبد شکافی آن

- تحقیقاتی که موضوع دارای ابهام است:

- پروژه هایی که از حیث موضوعی به دلیل نبود پیشینه دارای نوآوری شناخته می شوند. مثلا در قرآن می گردیم و به دنبال مفهومی بدیل قدرت نرم می گردیم. اینگونه پروژه ها را معمولا به محققانی داده می شود که سرآمد هستند. پاره ای از پروژه ها هستند که خود موضوع دارای ابهام است.

هرچه جهل ما بیش تر باشد فکر می کنیم که نوآوری بسیار زیاد است. نوآوری های بیهوده نکنیم. جاهایی که فرضیه نداریم باید دلیل بیاوریم تا نشان دهیم که از جهل ما نیست.

\*تحقیق هایی که فرضیه ندارند باید در قسمت های دیگر بسیار قدرتمند وارد شویم. پروژه هایی که فرضیه محور نیست محقق محور است و داور باید محقق را بیشتر بشناسد. هنگامی که فرضیه ندارد در سه محور

۱- سؤال ها

۲- مفروضات

۳- پیشینه

را باید بسیار محکم بنویسیم که داور را بتوان قانع کند که ما واقعا تلاش کرده ایم و فرضیه ای نیافته ایم. هنگامی که موضوعات فرد رد می شود بخاطر ضعف محقق است نه بخاطر اینکه موضوع ضعیف است و بخاطر تلف نشدن موضوع آن را رد می کنند. خطوط راهنما:

چشم انداز کلانی است که می خواهیم به آن برسیم. جهت ما را مشخص می کند که در کدام قلمرو حرکت کنیم. خطوط راهنما برای پروژه هایی است که فرضیه وجود ندارد و فرضیه بنیاد نیست.

\*فرضیه قابل اثبات یا رد است. محقق هیچ دینی به فرضیه ندارد مهم نیست که اثبات شود یا رد شود زیرا در یک تحقیق محقق افزون بر فرضیه اصلی با دو دسته از دیگر فرضیات سر و کار دارد که ما مجموع این مباحث را در ذیل می آوریم:

• اصلی / فرعی: فرضیه اصلی برای سؤال اصلی و فرضیه های فرعی برای سؤال های فرعی

• اصلی / رقیب: برای سؤال اصلی فرضیه ارائه می کنیم که کارشناسان دیگری هم هستند که فرضیه مقابل شما.

فرضیه اصلی: فرضیه طراحی شده توسط محقق.

فرضیه رقیب: نظر کارشناسان مقابل شما که توسط دیگر پژوهشگران این حوزه ارائه شده است.

• اصلی/بدیل(جایگزین یا آلترناتیو):

ممکن است برخی رقیب و جایگزین را یک فرضیه بدانند اما فرضیه جایگزین می تواند هم طراز با فرضیه فرضیه آلترناتیو: به فرضیه ای اطلاق می شود که توسط محقق برای سؤال اصلی به صورت هم طراز برای فرضیه اصلی اش ارائه می شود.

به فرضیه معارض با فرضیه ما را فرضیه رقیب می گویند.

مثلا:

فرضیه من این است. (اصلی)

ممکن است این فرضیه حالت دیگری هم داشته باشد. (آلترناتیو)

کسانی هم هستند که نظر مقابل ما را دارند. (رقیب)

برخی بخاطر اینکه فرضیه رقیب می تواند جایگزین فرضیه شما شود فرضیه جایگزین می نامند. باید از طرف مقابل بپرسیم که منظورش کدام است.

## سازماندهی تحقیق

منظور از سازماندهی تحقیق، بخش‌ها یا فصولی است که در تحقیق به آنها پرداخته می‌شود. ملاحظیات زیر را در سازماندهی تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد:

## ۱- تناسب با سؤالهای (فرعی)

گاهی می‌توان به جای تناسب تناظر را نیز مطرح کرد و یک فصل به آن اختصاص داد. یک فصل را برای نظریات نظیر نظریه اصلی را مطرح کرد. اگر سؤال‌های فرعی بسیار زیاد است باید یک فصل را به هر کدام اختصاص داد اما اگر می‌توان سه یا چهار سؤال فرعی را در یک فصل جمع کرد که در این تجمیع به ارتباط آن‌ها مربوط می‌شود. پس از کلمه تناسب می‌توان تناظر یا ارتباط را برداشت کرد.

## ۲- نظم منطقی

تمام آنچه در متن آورده می‌شود باید با یک نظم منطقی و با شماره‌گذاری بیاورید.

## ۳- اولیه (استاندارد)

## ۱.۳- چکیده

خلاصه آنچه محقق می‌خواهد در تحقیقش بگوید.

## ۲.۳- فهرست

به دو بخش خلاصه (مجمّل) و مبسوط (تفصیلی) تقسیم می‌شود.

در فهرست اجمالی به تیترهای کلی می‌پردازیم و زیر تیترها را نمی‌آوریم و در فهرست تفصیلی به زیر تیترها نیز پرداخته می‌شود مثلاً: قدرت ۱.۱- ابزارهای اعمال قدرت و...

بهتر است هر دو فهرست را داشته باشیم. (یکی از این دو الزامی است)

بعد از این فهرست‌ها فهرست جداول / نمودار / اشکال / جعبه‌های اطلاعاتی را می‌آوریم. (اگر در تحقیق اینگونه اطلاعات را داشته باشیم).

هرگاه درون متن از چیزی غیر از جدول استفاده کردید باید هر جدول شماره و شناسه داشته باشد و سیستم شماره‌گذاری جدولها فصل و مسلسل است. مثلاً جدول ۱.۳ که رقم سمت چپ مربوط به شماره فصل است پس این جدول در فصل ۱ آمده است و شماره سمت راست نشانه چندمین جدول است که در آن فصل آمده است.

شناسه توضیح مختصر جدول یا نمودار یا... است. مثل سرانه ملی کشورها در تولید می‌نویسیم. ۱.۳: سرانه ملی کشورها در تولید مسلسل در جدول‌ها و مسلسل در نمودارها باید متفاوت باشد نه اینکه همه را پشت سر هم بیاوریم.

(توجه کنیم که استانداردهای هر سازمان را رعایت کنیم).

چندین واژه است که در ادبیات فارسی باهم خلط شده است.

کلیات/مقدمه/پیش‌گفتار=پیش‌درآمد

پیش‌گفتار یا پیش‌درآمد

متن سمبلیک ابتدایی ممکن است بعضی‌ها داشته باشند یا نداشته باشند. این متن می‌تواند به انگیزه محقق بپردازد. (بیان خاطره)

## ۲.۳- مقدمه

متن تفصیلی و مستند طرح نامه را مقدمه می نامند. این متن را می توانید به عنوان یک فصل مطرح کنید. کلیات را به مقدمه‌ای برای ورود به بحث مطرح می کنند. اگر خواستیم کلیات را بیاوریم ابتدا کلیات را بیاوریم و بعد مقدمه را بیاوریم اما اگر مقدمه به صورت تفصیلی آمده است نیازی به طرح کلیات نیست. در دانشگاه از واژه مقدمه استفاده می شود.

بعد از مقدمه وارد فصول می شویم.

مبنا را به صورت منظم شماره گذاری می کنیم.

زیر مجموعه بخش، فصول و زیر مجموعه فصول، گفتار است. اما چون متن ما حجمش کم است بهتر است فقط از فصل استفاده کنیم.

## ۵- نتیجه گیری

بعد از متن نتیجه گیری است.

شماره برای مقدمه و نتیجه گیری به کار نمی رود. نتیجه گیری شامل جمع بندی (خلاصه آنچه در فصول قبلی مطرح کرده ایم و با خلاصه متفاوت است زیرا در خلاصه/چکیده می گوئیم که می خواهیم به فلان نتیجه برسیم اما در جمع بندی گزارشی از کارهای انجام شده ارائه می شود). استنتاج ها (نتیجه تحقیق را بیان می کنیم و این بخش پاسخی به سؤال اصلی است و با جمع بندی متفاوت است) پیشنهادها (سؤلهایی که در حین تحقیق به شما رسیده است و پیشنهاد می دهید که تحقیق دیگری در این موضوع با رویکردی دیگر انجام شود تا به آن سؤال پاسخ دهد). راهکارها و پیشنهادها معمولا در پروژه ها می آیند و در پایان نامه ها چندان مطرح نیستند.

## ۶- پیوست

مدارک اسناد و یا متونی که در ارتباط با موضوع تحلیل می باشد اما به دلیل حجم آنها و یا عدم ارتباط ساختاری با متن تحقیق لازم به ذکر در متن پروژه نیست.

پیوست ها با فصل ها ارتباط ندارد و به صورت مسلسل و درون گروه آورده می شود. در پروژه هایی که جنبه کمی دارد پیوست های بیشتری دارد. اگر از ضمیمه استفاده کنید متن پایان نامه چندان حجیم نمی شود. اگر ضرورت پیوست ها اثبات شد حجمی برای آن قائل نمی شوند یا می توان به صورت cd ارائه داد.

## ۷- فهرست منابع/مآخذ

منبع به آن مدرکی گفته می شود که به آن رجوع کرده ایم اما ارجاع آن چیزی است که می گوئیم که خودمان مراجعه نکرده ایم مثلا برای مطالعه بیشتر به کتاب فلانی مراجعه شود. توجه شود که چون ما در چهارچوب اسلامی کار می کنیم نباید کتب مقدسی مثل قرآن کریم و نهج البلاغه را مانند دیگر کتب به ترتیب حرف الفبا آورده شود اما کتبی مثل تفسیر المیزان که مال معصومین نیست ایرادی ندارد. کتب معصومین را ابتدای منابع می آوریم.

برخی منابع را اینگونه تقسیم می کنند:

### منابع فارسی

کتاب

مقاله

پایان نامه

روزنامه

سایت

### منابع عربی

کتاب

مقاله

## الگوی ربط فصول

بهتر این است که افزون بر فهرست مطالب بنویسیم که چرا چند سؤال را در یک فصل جواب داده ایم یک حسن محسوب می شود و نیاوردنش عیب نیست.

بعد از سازماندهی تحقیق فهرست منابع را می نویسیم. در این بخش منابع بسیار مهمی که اصلاً نباید از آن غفلت کنیم یعنی منابعی که نباشد نقص است مثلاً اندیشه امام موضوع تحقیق است اما صحیفه امام را در این سازماندهی نیاوریم.

مبحث شکلی حاشیه ایست اما چیزی است که اول دیده می شود. با رعایت شکل استحکام کار بالا می رود. شیوه ارجاع دهی از مطالب مهم شکلی است.

چندین الگوی استاندارد وجود دارد. باید یک روش را انتخاب کنیم و از یک روش ثابت در ارجاع دهی ها استفاده کنیم. انتخاب نوع استاندارد با ماست اما یک دست بودن آن اجباری است.

شیوه ارجاع درون متنی

یکی از مباحث امنیت است. (افتخاری، ۱۳۹۲: ۲۵)

ابتدا باید فامیل نویسنده را بیاوریم بدون نام کوچک و بعد از آن ویرگول بیاوریم. بعد از آن سال نشر می آوریم و بعد دو نقطه که نشانه صفحه است و بعد از آن صفحه را می نویسیم. اگر نویسنده دو کتاب را در یک سال منتشر کرده باشد برای اینکه مخاطب دچار سردرگمی نشود باید اینگونه بنویسیم (افتخاری، ۱۳۹۲-ب: ۲۵) یعنی از حروف ابجد استفاده کنیم و این حروف ابجد به ترتیب زمان چاپ کتاب است و اگر منبع انگلیسی بود باید با a b c... نشان دهیم. اگر بخواهیم به چند منبع ارجاع دهیم با ؛ آن را جدا می کنیم مثلاً (افتخاری، ۱۳۹۲-ب: ۲۵ ؛ ره پیک، ۱۳۹۳-الف: ۱۵) و بهتر است بیشتر از سه منبع نباشد و اگر زیاد بود یک شکاره کوچک جلو متن می آوریم و منابع را در پاورقی می آوریم.

بهتر است از همان در روش درون متنی استفاده نکنیم زیرا خاصیت خود را از دست می دهد. مثلاً در پاورقی نوشته ایم همان اگر فاصله بین اصل و همان زیاد باشد باعث می شود که مخاطب سردرگم شود.

وقتی از روش درون متنی استفاده می کنید اطلاعات کامل آن را در فهرست منابع بیاوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

چارچوب نظری: دلالت بر اصول و قواعدی دارد که در مقام تعریف متغیرها و نحوه تعامل آنها تأثیرگذار میباشد. مثلاً یکی با چارچوب نظری رئالیستی نگاه میکند و یکی با چارچوب نظری ایدئالیستی. جایگاه:

○ مفاهیم

○ شبکه ارتباطی

گام های اجرایی چارچوب نظری:

1- مرور نظریه های ناظر به متغیرها (شناسایی و دسته بندی و معرفی و نقد و بررسی)

2- انتخاب نظریه مختار در متغیرها:

انتخاب یک نظریه مبنا

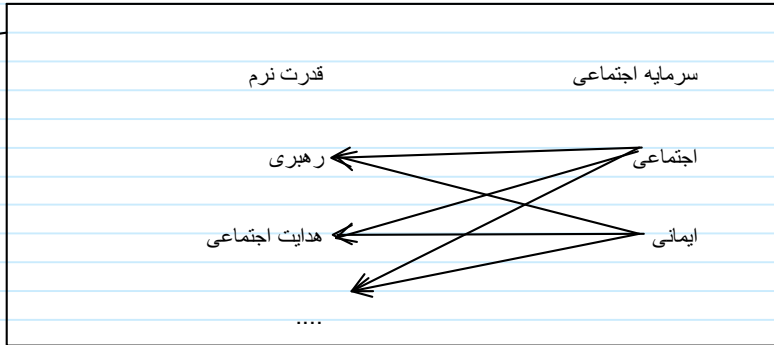
ترکیب نظریه ها

تولید نظریه

3- مرور نظریه های ناظر بر محیط تعامل

4- انتخاب نظریه محیطی مختار

5- طراحی الگوی تحلیلی



← نظریه سیاست اسلامی

در اندیشه امام خمینی

چهارچوب نظری + الگوی تحلیل

چهارچوب نظری شرایط آزمایشگاهی در علوم انسانی است. چهارچوب نظری دلالت بر اصول و قواعدی دارد که در مقام تعریف متغیرها و نحوه تعامل آنها تأثیرگذار می باشد.

مثلاً موضوع تحریم در چهارچوب نظری رئالیستی که مبنا قدرت و منفعت است باعث تغییر رفتار می شود اما در چهارچوب نظری ایده‌آلیسم که مبنا وظیفه است تحریم و فشار باعث تغییر رفتار نمی شود می گوئیم او را می کشیم اما در نگاه او اگر کشته شود شهید محسوب می شود و مقام بالاتری برای او محسوب می شود.

طراحی چهارچوب نظری که صورت گرفت می توانیم سازماندهی تحقیق را براساس آن تعریف کنیم. منظور از سازماندهی تحقیق ارائه ساختاری برای پژوهش است به نوعی که بتواند اهداف تعریف شده را متناسب با سؤالها در چهارچوب الگوی تحلیل پژوهش ارائه نماید.

مثلا در مورد مذاکرات هسته ای باید یک نظریه را انتخاب کنیم و سؤالات اصلی آن را پاسخ دهیم مثلا نظریه منافع مشترک یا سلطه یا مدیریت زمان را انتخاب می کنیم که در منافع مشترک عوامل فرعی آن این است که حد مشترک منافع چیست و منابع طرفینی چیست؟ و در طرف دیگر نیز باید نظریه را برای اقتدار نظام جمهوری اسلامی انتخاب کنیم و در آن مثلا منبع سخت و نرم را به عنوان عوامل فرعی آن استفاده می کنیم و در مناسبات بین المللی نیز باید نظریه روابط بین الملل مثل رئالیسم و ایده آلیسم و سازه انگاری و... را مبنا قرار می دهیم و بعد به تأثیر حد مشترک بر منبع سخت و نرم و... را بررسی می کنیم. باید توضیح دهیم که چرا در بین نظریه هایی که معرفی کرده ایم چرا فلان نظریه را انتخاب کرده اید ولی دیگر نظریه را انتخاب نکرده اید.

اگر فیش ها زیاد باشد می توانیم هر کدام از این روابط را در یک فصل ارائه داد مثل تأثیر حد مشترک بر منبع سخت یک فصل و تأثیر حد مشترک بر منبع نرم فصل دوم را تشکیل دهد. در تحقیقات پیمایشی به صورت مقدمه و کلیات و بر اساس فصل اول موضوع شناسی می کند و سؤالهای خود را مطرح می کنند و فصل بعد را روش شناسی و بعد به داده ها و بعد تجزیه و تحلیل و در پایان به نتیجه گیری می پردازیم. در سازماندهی تحقیق باید به دو نکته زیر توجه شود: سازماندهی تحقیق تابعی از الگوی تحقیق است. در سازماندهی تحقیق لازم است منطق تقسیم بندی فصول نیز نوشته شود. (مثلا با توجه به اینکه موضوع ما دارای دو مسئله اصلی است به همین دلیل تحقیق ما به دو فصل اصلی تقسیم می شود).

مثال

عنوان: تشیع و حکومت در عصر صفوی

متغیر مستقل: تشیع

متغیر وابسته: حکومت

محیط: در زمان صفوی

سؤال اصلی: تأثیر مبنای فقه سیاسی شیعه بر ساختار حکومت در عصر صفوی چیست؟ (در سؤال اصلی به طور مشخص می گوئیم که چه چیزی را می خواهیم بررسی کنیم اگر این را مشخص نکنیم می توانیم صدها سؤال فرعی را مطرح کنیم که درست است اما فرصت پاسخگویی به آن را نداریم. مثل تأثیر مردم بر حکومت؟ و... که سؤال درستی است اما بسیار گسترده می شود. باید سؤال فرعی را با سؤال اصلی هماهنگ کنیم. سؤال فرعی:

۱- تأثیر فقه سیاسی شیعه در عصر صفوی چیست؟ (مستقل)

۲- ساختار حکومت در عصر صفوی چگونه بود؟ (وابسته)

۳- شاخص های تأثیرپذیری ساختار حکومت از فقه سیاسی در عصر صفوی کدام اند؟ (واسط)

هدف اصلی: شناخت تأثیرات فقه سیاسی بر ساختار حکومت

• تعداد اهداف فرعی می تواند از سؤالات فرعی کمتر باشد اما نباید بیشتر باشد.

اهداف فرعی:



۱- شناخت مبانی فقه سیاسی شیعه

۲- ....

چهارچوب نظری

۱- مطالعه نظریات فقه سیاسی شیعه: سکولار - در ذیل اصول حداقلی - در ذیل اصول

مثلا در نگاه حداقلی ذیل متغیر شیعه می پرسیم:

حداقل‌های نهادهای ضروری

نهادهای تکمیلی

۲- مطالعه نظریات مختلف در مورد ساختار حکومت: متمرکز- غیر متمرکز- میانی(ج.ا.ا)

حال در ذیل نگاه متمرکز می پرسیم:

ساخت مرکزی

ساخت پیرامونی

حال باید به روابط آنها می پردازیم:

فصل ۱: تأثیر حداقل‌های نهادهای ضروری بر ساخت مرکزی و پیرامونی

فصل ۲: تأثیر نهادهای تکمیلی بر ساخت‌های مرکزی و پیرامونی

**آداب و اخلاق پژوهش**

منظور از اخلاق و آداب پژوهش رعایت اصول، قوانین و قواعدی است که به تنظیم مناسبات در حوزه تخصصی موضوع پژوهش و افزایش روایی داده ها و تحلیل های پژوهش کمک می کند.

ادب و اخلاق در هر حوزه ای وارد می شود مناسبات بین افراد را روان تر می کند.

اخلاق خاستگاهی ارزشی دارد که رعایت آن ارزش ها ما را به رعایتش وادار می کند. مثل ارجاع نادرست و انتساب نقل قولی به فردی به غلط برخی موضوعات هستند که ارزشی نیستند اما هر جامعه ای قواعدی دارد که باید رعایت شود. این قواعد اعتباریات است که ممکن است در جامعه دیگر پذیرفته نشود. قواعد شبه قانون است که مبتنی بر یکسری توافقات تخصصی است.

آداب جنبه تکمیلی دارد یعنی باید یکسری استانداردها را رعایت کن مثلا در نقد ابتدا با گفتن نکات مثبت بعد نکات منفی بیان شود یا اینکه انتقادات را به صورت نرم تری بیان کنید. اگر آداب را رعایت نکنید کسی نمی تواند به شما چیزی بگوید.

**۱- ارجاعات**

هیچگاه مطلبی را از کسی بدون ارجاع استفاده نکنید. این کار غیر اخلاقی به معنای اعم است و رعایت آن نویسنده را ثقه و نوشته را موثق می کند. در ذکر مستندات خست نورزید. مثلا بعد از مطالعه فلان کتاب ها این ایده ها به ذهنم رسید. این کلید واژه را از فلانی شنیدم.

**۲- ذکر دیدگاه های دیگران**

کسانی که از لحاظ ادب و اخلاق غنی ترند دیدگاه های کسانی که مخالف هستند را با ادله آنها می گویند و نقد می کنند و بعد به سراغ حرف خود می روند. ممکن است با مطالعه یک کتاب چندین کتاب دیگر را به شما معرفی کرده باشد. پس سعی کنیم که به مخاطب کمک کنیم و دیدگاه های دیگران را بیان کنیم.

**۳- توجه به دیدگاه های مخالف و معارض**

موضوع تحقیقاتی زمانی قوی می شود که دیدگاه های مخالف بیان شود و نقد و بررسی شود با این کار هم اعتبار مقاله بیشتر می شود هم مقاله را متوازن می کند.

**۴- دیدگاه های افراطی / تفریطی**

محقق باید از افراط و تفریط دوری کند و یک سو نگر نباشد. اخلاق پژوهش مبتنی بر درک است. ولو اینکه جمله درست باشد نباید به شیوه افراطی آن را بیان کنید بلکه باید دیدگاه مخالف را بیان کنید و آن را نقد کنید.

**۵- احترام به مخاطب**

شما باید خودتان را جای مخاطب بگذارید و به گونه ای با او برخورد کنید که در شأن او باشد مثلا نباید در کتاب یک مطلب را چهار بار تکرار کنید این توهین به شعور مخاطب (اساتید) است بهتر است مطلب مختصرتر و مفیدتر بیان شود. آنچه را که برای خود نمی پسندید برای دیگران هم نپسندید. لازم نیست که همه در کلاس شما باشند تا به شما احترام بگذارند بلکه اگر کتاب و مقاله شما به مخاطب احترام بگذارد آنها هم برای شما احترام قائل می شوند.

**۶- داشتن نوآوری**

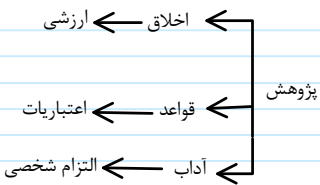
مثلا با جمع آوری مقالات به صورت یک کتاب منتشر کنید مگر اینکه نوآوری در آن را رعایت کنید و مطالب آن را اصلاح کنید. معمولا تا ۴۰ درصد ایرادی ندارد که از مطالب گذشته استفاده شود. اینکه مخاطب وقت می گذارد باید برای ما مهم باشد و ما مطلب جدید به او ارائه کنیم. اگر در یک سخنرانی یک یا دو ایده جدید به مخاطب برسانیم خوب است.

**۷- پذیرش و استفاده از نقدها**

بهتر است داوطلبانه مطلب را به استادی بدهیم که نظر بدهد و آن را نقد کند. بهتر است در مورد موضع گیری نداشته باشیم و نقدپذیری داشته باشیم و از آن استفاده کنیم. در مورد نقد بررسی ها واکنش منفی نداشته باشیم مخصوصا اگر استاد راهنما و استاد مشاور باشد.

**نتیجه**

با رعایت این آداب و اخلاق و قواعد باعث توثیق نویسنده می شود و اعتبار نویسنده نزد مخاطب بیشتر می شود. نویسنده و مطلب را حقیقت محور می شود (دوری از افراط و تفریط) هرچه اخلاق پژوهش را بیشتر رعایت کنید حقیقت محورتر می شوید. (اخلاق بیشتر از قانون ما را پیش می برد) اگر اخلاق را رعایت کنید، نفوذ و پذیرش نتیجه زیادتر می شود. استادی که اخلاقی قوی باشد گفتارش نافذ می شود. به میزانی که مخاطبین از اخلاق فرد متأثر می شود از چیزهای دیگر متأثر نمی شوند. غرب ها اخلاق را به معنای آداب (اعتباریات) و قواعد (التزام شخصی) می دانند نه به عنوان امری ارزشی و ما می توانیم در این عرصه نوآوری داشته باشیم و اخلاق دینی را وارد پژوهش کنیم.



سؤالات طرح تحقیق از نظریات به دست می آید.

مثلا سؤال اصلی ساختارگرایان:

عناصر ساختاری چیست؟

روابط بین عناصر چیست؟

مثال (به شکل آن، الگوی تحلیلی گفته می شود).

متغیر مستقل: جایگاه محقق کرکی

سؤال:

مبانی فلسفی محقق کرکی چیست؟

رفتار سیاسی محقق کرکی چیست؟

(سؤالات کامل نوشته شود).

متغیر فرعی: ساختار سیاسی

عناصر نظام سیاسی در عصر صفوی چه بوده است؟

نحوه ارتباط بین عناصر سیاسی در عصر صفوی چگونه بوده است؟

نظریه غالب عصر صفوی: حکومت اسلامی، پادشاه ذی شوکت عادل

سازمان تحقیق:

عنوان

چکیده

مقدمه

چهارچوب مفهومی-نظری

جایگاه نظری محقق کرکی در ساختار سیاسی عصر صفویه:

۱-عناصر ۲-شبکه ارتباطی

رفتار سیاسی محقق کرکی بر ساختار سیاسی عصر صفویه:

۱-عناصر ۲-شبکه ارتباطی

نتیجه گیری

یادداشت ها

فهرست منابع

یادداشت ها برای دادن اطلاعات تکمیلی به مخاطب است. مثلا در پرانتز نوشتن و پاورقی اصل کلمه انگلیسی یا توضیح در مورد شخص و حادثه ای که جای آن در متن نیست.

اسناد و مدارک، معمولا باعث انقطاع از متن می شود و اگر اصل متن نیازی به آن ندارد، بهتر است در پیوست ها بیاید.

## جلسه امروز

### اصول

۱- توجه به ظرف تحقیق:

باید توجه کرد که استاندارد تحقیق چند صفحه است. نه کم فروشی کنید نه زیاده گویی.

موضوعاتی که در حال شکل گیری است چندان مناسب پایان نامه نویسی نیست زیرا ممکن است در مدت نوشتن موارد تحقیق تغییر پیدا کند. مشورت با اساتید لازم است. رساله دکتری، در سطح مقاله نیست و مقاله هم نباید در سطح رساله دکتری باشد.

۱- خلاصه - اطاله:

برخی خلاصه ها باعث می شود که از برخی موضوعات غفلت شود و اطاله مغل نیز باعث می شود که مخاطب خسته شود و اجمال مغل باعث انقطاع مطالب می شود.

۳- حفظ ارتباط و انسجام

انسجام از طریق الگوی تحلیل به دست می آید و ارتباط با نوشتن اصول بحث تأمین می شود. پرداختن به حواشی از آفت های تحقیق است. محقق باید بداند که اصول بحث چیست و پرهیز از حواشی باعث ارتباط منسجم مباحث می شود.

۴- استفاده از نمودار و جدول و نقشه و آمار

باعث ارتباط بهتر با مخاطب و دادن اطلاعات با سرعت و راحتی بیشتر.

شناسه: فرآیند جنگ نرم در جمهوری اسلامی ایران.

هر جدول باید شماره و شناسه داشته باشد. (نک. به نقشه شماره ۳)

نمودار و نقشه و جدول از متن ناقص تر نباشد و استفاده از آن باید با ارجاع همراه باشد. مثلا زیر جدول منبع ره پیک (۱۳۷۸)

#### ۵- فیش نویسی

برای مستند تولید کردن مطالب توسط محقق است.

فیش ها را از همان ابتدا کد گذاری کنید. مثلا: در تأثیر دین بر سرمایه اجتماعی

فیش را از منابعی بردارید که ارتباطش وجود دارد.

ممکن است پروپازال با تحقیق اصلاح شود که باعث می شود برای هر متغیر فرعی که اضافه شد کد جدیدی نوشته شود. پروپازال

اگر بیش از ۲۰ درصد تغییر کند باید دوباره تصویب شود.

در هر فیش جوری بنویسید که بتوانید به صورت مجزا بدانید که از کدام کتاب برداشته اید.

توصیه می شود که از نرم افزارها برای فیش نویسی استفاده کنید تا راحت تر بتوانید بنویسید.

از برگه فیش استاندارد استفاده کنید و روی برگه باطله بنویسید تا گیج نشوید.

از هر فیشی نباید استفاده کرد. برخی فیش ها به درد نقل قول مستقل می خورد و برخی فیش ها به درد نقل قول های

غیرمستقیم و برخی به درد ایده می خورد.

فیش ها را به صورت مصداقی برمی دارید و ممکن است هرچه در فیش آمده درست نباشد. مثلا ممکن است تعاریف امنیت در

کتاب مختلف متعارض باشد. اگر می خواهید در فیشی نقل قول مستقیم داشته باشید با «گیومه» مشخص کنید. در فیش

بنویسید برداشت من تا در هنگام نوشتن مقاله به صورت نقل قول مستقیم بنویسیم. مثلا با گذاشتن ... سه نقطه برخی قسمت های

مخاطب را که حذف می کنید، مشخص کنید.

#### چگونه بخوانیم؟ (مهارت خواندن)

حتما از کارگاه ها مطالعه استفاده کنید.

مقدمه و نتیجه گیری و منابع و ماحصل مطالب در انتهای مطالب مهم است.

مهارت های خواندن به شما کمک می کند در مدت زمان کم، مطالب بسیاری را بخوانید. هر مطلبی چند حرف جدید بیشتر ندارد

باید آن ها را مورد توجه قرار داد.

#### منابع

منابع اصلی را از دست ندهید.

منابع تخصصی زیر مجموعه منابع اصلی است و باید رویکرد و استدلال و دیدگاه های آن را استخراج کنیم. این منابع برای ما

راهنماست بلکه مبنای بحث ما نیست و باید حتما منابع تخصصی را ببینیم.

#### منابع عمومی

اگر موضوع ما ربطی به قدرت نرم داشته باشد کتاب جوزف نای منبع عمومی است اما اگر موضوع نقد قدرت نرم غرب باشد، این

کتاب منبع تخصصی ماست.

بهتر است این منابع را به صورت تندخوانی مطالعه کنیم زیرا فقط چند نکته را لازم داریم.

این که منبع اصلی و تخصصی و عمومی ما چیست به نوع موضوع ما بستگی دارد.

منابع حاشیه ای غیرمرتبط را استفاده نکنید.

**نویسندگان محوری را پیدا کنید.** کتاب ا و نویسندگان محوری را از استاد راهنما بپرسید و بعد مطالعه کنید. اگر منابع مهم را

نبینید باعث می شود که مقاله ضعیف تلقی شود. دیدن الزامی در قبول آن ندارد.

باید کتاب های استاد راهنما و مشاور خود را ببینید.

منابع و دیدگاه های متولی پژوهش و تحقیق را ببینید. نباید صرفا موافقت کنید باید حد وسط را بگیرید زیرا موافقت صرف باعث

می شود که نقش محقق در تحقیق گم شود.

حتما شماره قبل نشریه ای که می خواهید مقاله بفرستید را بخوانید.

#### استفاده از ظرفیت ها

باید مهارت و دانش دسته باشیم تا بتوانیم هر چیزی را در جای خودش بگذاریم. مثلا ضامنه جزء مطالب ما محسوب نمی شود پس

باید بدانیم که چه چیزی ضامنه است که در متن نیآوریم و برعکس.

#### مهارت های دفاع از متن

در دفاعیه صبر و تحمل داشته باشید.

در دفاعیه نکاتی که داور به ما می گوید چند صورت است:

۱- برخی از آنها را باید بگوییم چشم. مثلا: غلط تاییبی یا ارجاع نویسی اشتباه یعنی ما نباید به هر چیزی جواب بدهیم.

۲- برخی از ایرادهای داور که اشتباه شده یا سوءبرداشتی شده است را باید محترمانه جواب دهیم. مثلا: چرا فلان نظریه را

نیآورده ای؟ در حالی که نوشته ایم. در این حالت می گوییم که حرف شما متین است اما من سعی کرده ام در فلان صفحه

نظریات را بیاورم اما اگر ناقص است باید اصلاح کنم.

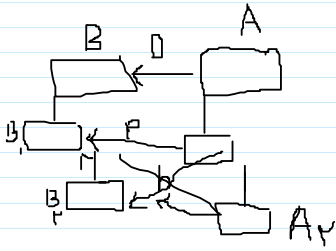
۳- برخی از سوالات داور برای سنجش قدرت استدلال و سنجش تسلط دانشجو بر متن و ایستادن روی حرف خود می باشد.

مثلا: خلاصه آنچه را که نوشته ای استدلالش را بگو.

مثلا: این مطلب را که نوشته ای به نظر من درست نیست. در این حالت باید تلاش کنیم استدلال خود را محترمانه ارائه

کنیم.

#### روان شناسی مخاطب



باید داور را روان شناسی کنیم تا بفهمیم که آقایون از چه چیزی خوششون می آید مثلاً از صحبت کردن محقق خوششان می آید یا خیر.  
هنگامی که انتقاداتی از طرف نشریات پژوهشی می آید هیچگاه تمام نمی شود. برای اصلاح آن باید نکات را که اصلاح کرده ایم مشخص کنیم.